

... انصاف بدهید که این فرید وحید در

چه طوفان عظیم گرفتار...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



۱۵۰

... انصاف بدهید که این فرید وحید در چه طوفان عظیم گرفتار و در چه مصائب بی مثل و نظیر مبتلا و بی غمخوار سهام بی‌امان از جمیع اعداء جمال مبارک از جمیع جهان پرتاب و سیوف ملل مسلول و بی حساب هجوم از هر مرز و بوم اعتراض و تعرض چون دائره محیطه بر مرکز احزان و آلام چون غیث هائل مستمر مشکلات و معضلات بی حد و حصر مشاغل و متاعب چون امواج بحر تحریر و تقریر متتابع روز و شب حتی وقت سحر وجود در نهایت ضعف تأثیرات فرقت حضرت احدیت مغز استخوان را گداخته و حسرت و کدورت در احشاء آتش افروخته با چشمی گریان و جگری سوزان و ناله و فغان همدم باوجود این چه تسلی خاطر دارم مگر آن که ملاحظه نمایم که رشته الفت الحمد لله پیوسته و اساس محبت بین کلّ راه تشنت بسته و بساط تخلف منظوی و علائم تخالف متواری و نور وحدت منجلی اگر دیگران را بلا یای این عبد مستولی گردد آن وقت قدر عافیت معلوم شود. قسم به جمال قدم که خاک قدم هر یک از احباء شدم و ابدأ نه قولاً نه فعلاً تعرضی به نفسی از متزلزلین نمودم و ابدأ تکلیف جزئی به شخصی نکردم و گفتم هر نوع خواهش و میل شماست مجری دارید ولی من را مشغول ننمائید و از اعلاء کلمه الله منع نمائید هر چه میخواهید بگوئید و آنچه میخواهید بکنید کاری به من نداشته باشید همچو گمان کنید که من خلق نشده‌ام باوجود این ناله و فریاد است و داد از پیداد باز



ORIGINAL



AUDIO

تجمل میکنم دوری نمینمایم هر کس از من دور میشود نزدیک میشوم استجبار مینماید خضوع و خشوع
میکنم راضیم صد هزار تیر بر سینه من خورد و بر کسی غبار ننشیند از شدت غصه ناتوان شده‌ام...

